

درس فارغ فقه مضرت آیت الله مسینی بوشهری (دامت برکاته)

موضوع کلی: تتمه احکام غسل

موضوع جزئی: حکم اجتماع اغسال متعدده بر مکلف

سال تحصیلی: ۱۴۰۲-۱۴۰۱

تاریخ: ۲۸ آبان ۱۴۰۱

مصادف با: ۲۴ ربیع الثانی ۱۴۴۴

جلسه: ۳۰

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته

بحث در مسأله ۷۰۰ بود. نظر مرحوم سید (ره) این بود که اگر مکلف انجام بعضی اغسال و عدم تحقق بعض دیگر را نیت کند، هم صحت آن غسلی که انجام می دهد، اشکال دارد و هم کفایت آن غسل از سایر اغسال که عدم تحقق آنها را نیت کرده است، اشکال دارد و این مبتنی بر این است که اغسال، طبیعت واحده داشته باشند چون وقتی فرد محقق شود، طبیعت نیز در ضمن فرد محقق خواهد شد و لذا معنا ندارد که شخص، عدم تحقق بعضی از اغسال را نیت کند زیرا با انجام غسل واحد، آن غسل از همه اغسالی که بر ذمه مکلف اند، کفایت خواهد کرد بنابراین، اگر مکلف هنگامی که غسل می کند، تحقق بعضی از غسل هایی که بر ذمه اش است را نیت کند و عدم تحقق بعض دیگر را نیت کند، قاعده مذکور [که اغسال طبیعت واحده دارند] را زیر سؤال می برد چون این گونه نیت کردن از طرف مکلف، به معنای این است که فرد، محقق شده است ولی طبیعت، محقق نشده است و این خلاف قاعده است لذا صحت خود آن فرد از افراد طبیعت غسل که انجام شده است نیز زیر سؤال می رود.

در ادامه به نظر مرحوم آیت الله خویی (ره) اشاره شد و عرض شد که به نظر ایشان، غسلی که شخص انجام می دهد، صحیح است و از سایر اغسال نیز مجزی است، اعم از اینکه حقیقت اغسال، واحد باشد یا متعدد باشد. دلیل ایشان بر صحت غسل در فرضی که طبایع اغسال، واحد باشند یا متعدد باشند در جلسه گذشته ذکر شد.

مرحوم آیت الله خویی (ره) در ادامه فرمود که اگر ما باشیم و خودمان، وحدت طبایع را قائلیم، لکن روایاتی وارد شده اند که بر تعدد طبایع دلالت دارند که این روایات و کیفیت استناد به آنها در جلسه گذشته ذکر شدند.

نتیجه، اینکه به نظر مرحوم آیت الله خویی (ره)، در فرض مورد بحث [که مکلف انجام بعضی اغسال و عدم تحقق بعض دیگر را نیت می کند]، اگر شخص، یک طبیعتی از طبایع اغسال را انجام داد، مثلاً غسل جنابت را انجام داد و قصد قربت به یکی از دو نحوی که قبلاً ذکر شد [که یا غسل را به قصد اینکه فی نفسه محبوب و ممدوح مولا است انجام می دهد یا غسل را به داعی اینکه در سلسله وجود واجب نفسی است، یعنی به خاطر اینکه جنبه مقدمیت برای واجب نفسی دارد، انجام می دهد]، از او متمشی شود، غسلی که انجام می شود، صحیح است و همچنین، از سایر اغسالی که عدم تحقق آنها نیت شده است، کفایت خواهد کرد؛ اعم از اینکه طبیعت اغسال، واحده باشد یا متعدده باشد زیرا شارع غسل واحد را از سایر اغسال مجزی دانسته است و اجزاء غسل واحد از سایر اغسال، حکم شرعی است و در اختیار مکلف نیست تا در هنگام غسل کردن، تحقق بعضی از اغسال و عدم تحقق بعضی دیگر را قصد کند مگر اینکه مکلف، رافع بودن غسل نسبت به اغسالی که تحقق آنها را قصد کرده است و غیر رافع بودن نسبت به اغسالی که عدم تحقق آنها را قصد کرده است را به شارع نسبت بدهد که در این صورت، تشریع و حرام است لذا غسلی که انجام شده است، باطل است.

مرحوم سید (ره) در ذیل مسأله ۷۰۰ نوشته است: «و من هذا يُشكّل البناء على عدم التداخل بأن يأتي بأغسال متعدّدة كلّ واحد بنية واحد منها، لكن لا إشكال إذا أتى فيما عدا الأوّل برجاء الصّحة و المطلوبية»^۱.

و از آنچه [تا کنون] بیان شد [، مبنی بر اینکه غسل واحد از سایر اغسالی که بر ذمه مکلف است، کفایت می‌کند]، مشکل است که بنا بر عدم تداخل گذاشته شود، به این نحو که گفته شود که باید اغسال متعددی انجام شوند که هر یک از آنها به نیت یک غسل انجام شود، لکن اشکالی ندارد که مکلف، ما عداي غسل اول را به امید صحت و مطلوبیت انجام بدهد و رجاء صحت و مطلوبیت، با تداخل منافات ندارد لذا مشکلی ندارد که در عین اینکه شخص قائل به تداخل است، بعد از اینکه یک غسل انجام داد، به امید صحت و مطلوبیت، به نیت سایر اغسال، غسل‌های جداگانه‌ای اتیان کند.

مرحوم آیت الله حکیم (ره)، فرموده است: «لا یبعد أن یکون منصرف تعبیر الفقهاء بالاجزاء فی المقام، کون التداخل رخصة و کأنه لذلك نسب ذلك الى ظاهر الأصحاب. إلا أن التأمل فی کلماتهم يعطى خلاف ذلك و أنه عندهم عزيمة»^۲.

مرحوم آیت الله حکیم (ره) فرموده است که بعید نیست که ظاهر تعبیر فقها [که به اجزاء غسل واحد از سایر اغسال حکم کرده‌اند] این است که تداخل را رخصت دانسته‌اند، به این معنا که شارع اجازه داده است که مکلف چند غسل را در قالب یک غسل بیاورد و این گونه نیست که انجام یک غسل، عزیمت باشد و شخص نتواند به نیت سایر اغسال، غسل‌های متعدد انجام بدهد، پس شخص، هم می‌تواند همه غسل‌ها را در قالب یک غسل اتیان کند و هم می‌تواند برای هر کدام از آن اغسال، غسل جداگانه‌ای انجام بدهد، مثل نماز ظهر که وقت مخصوص دارد و خواندن نماز عصر، بلا فاصله بعد از نماز ظهر، رخصت است و عزیمت نیست که شخص نتواند نماز عصر را در وقت دیگری بخواند، بلکه هم می‌تواند نماز عصر را بلافاصله بعد از نماز ظهر بخواند و هم می‌تواند آن را در وقت دیگری بخواند.

پس به نظر مرحوم آیت الله حکیم (ره)، ظاهر کلمات فقها، منصرف به این است که تداخل، به معنای رخصت است، لکن بعد از تأمل در کلمات فقها فهمیده می‌شود که تداخل به معنای عزیمت است، یعنی مکلف حق ندارد برای سایر اغسال، غسل‌های جداگانه انجام بدهد، بلکه باید همه غسل‌ها را در قالب یک غسل انجام بدهد.

فرق بین رخصت و عزیمت

عزیمت، یعنی هذا و لا غیر، یعنی یک امر قطعی که تخطی از آن جایز نیست و رخصت به این معناست که شارع در بعضی موارد اجازه انجام کاری را به عبد داده است و او را نهی نکرده است، پس رخصت، امر قطعی یا نهی قطعی شارع نیست، بلکه معنایش این است که شارع اجازه انجام کار را داده است.

رخصت؛ یا وجوبی است یا استحبابی است. رخصت وجوبی، مثل این است که شارع در بعضی موارد به عبد اجازه خوردن گوشت میته را می‌دهد و می‌گوید که هر چند حکم اولی، حرمت خوردن گوشت میته است، لکن به جهت اضطرار، حکم ثانوی این است که خوردن آن گوشت جایز است، ولی اگر شخص از خوردن گوشت میته اجتناب کند و جانش به خطر افتد، شارع خوردن آن را واجب می‌کند و رخصت به عزیمت تبدیل می‌شود، یعنی خوردن آن گوشت بر او واجب می‌شود. پس عزیمت یک امر قطعی است که تخلف از آن جایز نیست، لکن رخصت، قطعی نیست و تخلف از آن جایز است.

«الحمد لله رب العالمين»

۱. سید محمدکاظم، طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، ص ۳۱۵.

۲. سید محسن، طباطبایی حکیم، مستمسک العروة الوثقی، ج ۳، ص ۱۴۹.